

## صدای مشاور:

از خواندن مشکل شما بسیار آشفته و پریشان شدم. فکر می‌کنم زندگی شما به بن‌بست نزدیک شده است پس باید عاقلانه عمل کرده و ابتدا در گروهی که مدیریتش با همسرتان است هر چه می‌خواهد دل‌تنگتان بنویسید و همه کاسه کوزه‌ها و پلهای پشت سرتان را بشکنید و سپس با یک جمله ماندگار از گروه بیرون آمده و بعد با آرامش همسرتان را بلاک کرده و در نهایت چمدانتان را برداشسته و به خانه پدری رفته و تا اطلاع ثانوی بازنگردید. بگذارید همسرتان تا استعفای مدیریت پیش برود و بعد اگر خواستید کوتاه بیایید شرط بازگشتان را معاونت گروه بگذارد.

## آقای الف - ب

سلام دکتر فروپاش. فردی هستم خوش بر و رو. تو دل برو و بسیار خوش صحبت و شیرین سخن و خوش گفتار؛ جوری که از دوران خیلی کوچکی اقوامان بنده را به عنوان دامادشان می‌پسندیدند اما بنده یک مشکل اساسی دارم و اینکه بسیار خجالتی هستم و اصلاً جرات حرف زدن در جمع را ندارم! برای همین هرگز به خواستگاری نرفتم و به این دلیل همچنان در سن ۵۸ سالگی هنوز مجردم. شما بگویید چه کنم؟

## دکتر فروپاش:

سلام. به نظرم شما در این سن و سال دیگر هیچ کار نکنید! مشکلت من را به فکر فرو برد که اگر خجالتی هستی و در جمع حرف نمی‌زنی پس چطور فهمیدی که خوش صحبت و شیرین سخن هستی؟! اصلاً مگر هنوز چنین افرادی هم پیدا می‌شوند؟ به نظر بهتر است خیلی زود خودت را به کتاب گینس معرفی کنی و رکورد خجالتی بودن را به نام خودت ثبت کنی اگر هم حس می‌کنی که خیلی خوش صحبتی و داری حیف می‌شوی از خوش صحبتی خودت فیلم بگیر و در شبکه‌های مجازی پخش کن و فلاور جمع کن! یادت نرود من را هم تبلیغ کنی.

## خرده فرمایشات آفاماشالا!

## دخلم درآمده اما خرجم نه!



از وقتی که هزینه‌ها و درآمدها رو شده و از وقتی که حساب و کتاب آمارها علنی و فاش شده که هر خانوار ایرانی چقدر درآمد دارد و چقدر هزینه؛ دایمی ما انگار چیزی به تنبانش افتاده باشد در صحن علنی منزل ماشین حساب به دست به این طرف و آنطرف می‌رود و حساب و کتاب می‌کند که چه معنی دارد که اصلاً در هیچ آماري نیست! اما هر چه می‌گوییم آمار آن است که خود بیوید نه آنکه آمارگیر بگوید گوشش بدهکار آمارها

و آزارها نیست و زیر لب یک ناسزاهايي به زبان می‌آورد که نمی‌دانیم به ما می‌گوید. به بقال محله یا قصاب محله یا میوه فروش محله و یا دیگر خودش می‌داند و زیر لبش که به که می‌گوید و ما می‌شنویم! خلاصه اینکه این درآمدها و هزینه‌ها و دخل‌ها و خرج‌ها حساب سرگرمش کرده و حساب می‌کند که گوشت قرمز یخ زده و مرغ کهنه و برنج غیراعلا و روغن آن هم فقط نباتی و نه زیتون و کنجد! چای فله‌ای و قند و شکر ته کیسه مانده و نان لواش دویست تومانی از چهارطرف سوخته و سیب زمینی گوجه پیاز خیار کلم کاه و سبزی و بادمجان را که در ماه می‌خرد حسابش با هر چه در دخلش است صاف می‌شود! تازه قبض آب و برق و گاز و تلفنش را هم چون مدیر ساختمان است با پول قبض همسایه‌ها صاف می‌کند! نه مهمانی می‌گیرد که به خرج بیفتد و نه مهمانی می‌رود که خرج کند! گردو و عسل و میگو و ماهی و میوه فصل هم که کلاً برایش ضرر دارد نه تفریح و سینمایی و نه کلاس و آموزشی و نه تلاش افزایش فرهنگی! با همه اینها هر روز دخلش درمی‌آید اما هر ماه خرجش نه! خان دایی ما آنقدر حساب و کتاب کرد و بالا و پایین شد تا خودش را جزء آمار کند اما در نهایت یک گوشه نشست و با خودش گفت که در عجبم که من پول تعمیر کولر آبگرمکن شوفاژ و شارژ خانه، لامپ برای دستشویی، کرایه خانه و ماشین و دکتر و ویزیت و تزریقات را دیگر از کجا می‌آورم! ما هم داشتیم به جای جای خان داییمان نگاه می‌کردیم که در جواب دادن کمکی کرده باشیم که دیدیم از جایش بلند شد و ساعت کوچکی اش را قطع کرد و گفت که با این حساب و کتاب دیگر نمی‌صرفد به سرکار برود... چون تا به حال هم برای رفاه حال و جیب رانندگان تاکسی به سر کار می‌رفته است... خان دایی برق را خاموش کرد و گفت: این همه میروم سرکار و می‌آیم که حقوق راننده‌های تاکسی را بدهم؟!... دارد دخلم در می‌آید که خرج آنها را بدهم... آخر هم جزء هیچ آماري نیست! خب خودشان بروند کار کنند...



الف نقاشی و یادگاری گردشگران قبلی روی میراث فرهنگی!

ب - خرابه‌های بازمانده به نام میراث فرهنگی

ج - مونیوپادهای گردشگران و عکسهای سلفی با میراث فرهنگی!

د - هزینه ورودی و راهنمای گردشگر!

۵- چطور می‌توانیم به تعداد گردشگران خارجی سالیانه بیفزاییم؟

الف با رایگان کردن ورودی‌های مناطق گردشگری

ب - با قرعه کشی سفرهای خارجی برای گردشگران خارجی

ج - با ساخت میراث فرهنگی‌های جدید و جذاب!

د - با اهدای بخشی از میراث فرهنگی مان به کشورهای پرگردشگر

۶- کدام بخش از صنعت گردشگری بر بخشهای دیگر ارجحیت دارد؟

الف حرف زدن دست و پا شکسته با خارجی‌ها و عکس انداختن سلفی با آنها

ب - انداختن سوغاتی‌های گران قیمت به آنها

ج - خرید و تهیه غذا از رستورانهای شهر محل گردشگری

د - هزینه ماشینهای گردشگری و راهنمای گردشگر!!

## مرکز مشاوره دکتر فروپاش!

### خانم میم. دال!

سلام جناب مشاور. من همسری دارم که از زمان بچگی به دنبال مدیریت بود اما تا قبل از ساخته شدن دنیای مجازی به آرزویش نرسیده بود. بعد از اینکه او وارد دنیای مجازی شد مدیریت گروه خانوادگی را به عهده گرفت که بسیار خوشحال شد و زندگی ما با این اتفاق زیر و رو شد. اما مشکل از جایی شروع شد که او اخلاق مدیریتی پیدا کرد و گروه را وارد رابطه بازی کرد و خواهرشوهرم را به عنوان نایب مدیریت انتخاب کرد. معاونت خواهرشوهرم الان مشکل بزرگ خانواده ما شده تا حدی که دیگر می‌خواهم از گروه خارج شوم و همسر هم می‌گوید اگر از گروه خارج شوی دیگر حق برگشت نداری! نمی‌دانم چه کنم؟!

